

خلق و خوی ایرانیان
در سه دهه اخیر

نویسنده:

داود علی بابایی

خلق و خوی ایرانیان در سه دهه ی اخیر - داود علی بابایی

- تهران - امید فردا - ۱۳۹۶

شابک : 978-964-5731-82-1

فهرست نویسی براساس اطلاعات فیبا

موضوع : داستان های کوتاه فارسی

رده ی کنگره : ۱۳۹۶/۹ع ۶۵/۹

ده بندی : ۹۵۵/۰۰۴۴

شابک : ۴۸۳۵۴۰۴ ملی

انتشارات امید فردا

خلق و خوی ایرانیان در سه دهه ی اخیر

داود علی بابایی

چاپ سوم : ۱۳۹۸

شمارگان : ۱۲۰۰ نسخه

قیمت : ۲۲۰۰۰ تومان

نشانی : تهران - میدان انقلاب - ابتدای خ آزادی - ابتدای جماله ده

جنوبی - کوچه دانشور - پلاک ۲ - واحد ۵

تلفکس : ۶۶۹۱۷۴۴۹ تلفن : ۶۶۹۱۳۵۶۸ - ۹۳۶۹۹۳۲۸۶۶

info@omidefarda.net

www.omidefarda.net

فهرست مطالب

۱۱	به بهانه ییگفتار.....
۳۱	زیره گیری و خلیات کنونی مردم.....
۳۴	قسم خوردن فرهنگ رایج مردم شده است.....
۳۷	قرض گرفتن معضلی یاد برای مردم.....
۴۰	رشاء و ارتشاء فرهنگ رایج روز مردم.....
۴۲	سیاست بازی و عوام فریب فرهنگ رایج روز.....
۴۵	خلق و خوی رانندگی ما ایرانیان.....
۴۸	در جامعه کنونی احترام متقابل از بین رفته است.....
۵۲	مردم ما فقط تماشاگرند نه کنشگر.....
۵۴	نخبه گرایی آفت جامعه کنونی ایران.....
۵۷	چرا مردم ایران به تعهدهای مالی خود پایبند نیستند.....
۶۰	شهرنشینی و خلق و خوی جامعه کنونی.....
۶۳	مردم خیر و خلق و خوی ایرانی.....
۶۶	مشارکت مردم ایران در ابعاد مختلف و خلف وعده.....
۶۸	خلق و خوی ایران در دید و بازدید غیر حضوری.....
۷۰	سوگواری های غیر حضوری در بین ما ایرانیان.....

- چرا نسل امروز آداب و رسوم غذا خوردن را به یاد فراموشی سپرده‌اند... ۷۲
- آموزش و دانش در دوران کنونی در ایران چگونه است... ۷۴
- فراموشی ایرانیان درباره مطالعه کتاب کاغذی... ۷۷
- خلق و خوی کارمندی در جامعه عوض شده است... ۷۹
- احترام گذاشتن به افراد مسن در معابر عمومی... ۸۲
- فرهنگ مل نشینی و پشت میز نشینی معضل حاد اجتماعی... ۸۵
- چرا جامعه و جوانان افسرده شده‌اند... ۸۸
- توقعات بی حد و حصر دختران و پسران... ۹۲
- فضای مجازی و تخریب ارزش‌ها... ۹۴
- اس ام اس یا پیامک ترس یا تحسین... ۹۶
- دور کردن با ماشین‌های بدل الا خلاف خلق و خوی ایرانیان... ۹۸
- چرا جامعه ما غش در معامله می‌کند... ۱۰۰
- بکار بردن کلمات فرهنگی خلاف خلق و خوی ایرانی... ۱۰۳
- خود محوری جای کار گروهی را گرفته است... ۱۰۶
- خود بینی و خود خواهی خلاف خلق و خوی ایرانی... ۱۰۸
- گدایی و تکیه‌گری معضل حاد اجتماعی... ۱۱۰
- در کشور چرا خط فقر و زیر خط فقر وجود دارد... ۱۱۱
- چرا جوانان ما شورشی و سرکش شده‌اند... ۱۱۱
- چرا کارگزاران نظام خود را برتر از دیگران می‌دانند... ۱۱۷
- املاک نجومی شهرداری خلاف خلق و خوی ایرانی... ۱۱۹
- آیا حقوق‌های نجومی مغایرت با خلق و خوی ایرانی داشت... ۱۴۰

- چرا جوانان ما لباس های غربی می پوشند..... ۱۲۳
- چرا برخی از تهیه کنندگان فیلم ها تو زرد از کار در آمدند..... ۱۲۶
- چرا در جامعه افراد خلافکار دستگیر نمی شوند..... ۱۴۸
- چرا برخی افراد متمول تظاهر به فقر و نداری می کنند..... ۱۵۰
- تأسیس دانشگاه آزاد و آوردن افت تحصیلی در آموزش عالی..... ۱۵۲
- پیدا شدن طبقه متوسط در جامعه کنونی ایران..... ۱۵۴
- خیانت در امانت فرهنگ رایج روز..... ۱۵۶
- چرا مردم نسبت به آینده بدبین هستند..... ۱۵۸
- چرا بی تنگدستی اجتماعی بین مردم رونق یافته است..... ۱۶۰
- چرا نظام قضایی در ایران ناکارآمد می باشد..... ۱۶۲
- چرا مردم ایران امنیت روانی و اجتماعی ندارند..... ۱۶۴
- مردم ایران از نظر اخلاق عمومی چگونه می باشند..... ۱۶۶
- چرا فساد و تقلب علمی در جامعه فراوان است..... ۱۶۸
- چرا مردم در مواد مختلف سوء مصرف دارند..... ۱۷۰
- کالایی شدن علم و به محاق رفتن عدالت آموزشی..... ۱۷۲
- مشکلات ناشی از سبک زندگی جدید..... ۱۷۴
- چالش های توسعه گردشگری و پیامدهای آن..... ۱۷۶
- معضلی به نام حاشیه نشینی در شهرها..... ۱۷۸
- چرا سواد رسانه ای ما کم است..... ۱۸۰
- بحران در صندوق های بازنشستگی و پیامدهای آن..... ۱۸۲
- مصرف ایدئولوژی و ایدئولوژی مصرف..... ۱۸۴

- چرا مردم عادت کرده‌اند شب‌ها بیدارند و روزها می‌خوابند..... ۱۸۶
- قتل آتنا اصلانی خلق و خوی ایرانی را دگرگون کرده است..... ۱۸۸
- در جامعه کنونی ایران چرا زنان نقشی در حاکمیت ندارند..... ۱۹۰
- چرا در کشور ازدواج‌ها کاهش و طلاق‌ها افزایش یافته است..... ۱۹۲
- نتیجه گیری..... ۱۹۴

به بهانه پیشگفتار

من حوام درباره خلق و خوی مردم ایران بنویسم ولی نه خلق و خوی در ایران باستان، نه ایران میانه و نه ایران معاصر بلکه درباره خلق و خوی ایران سه دهه اخیر یعنی از سال ۱۳۴۸ به بعد یعنی در ۲۷ ساله اخیر به همراه مردم در رفتار، آداب و خلییات تغییر ناگهانی کرده‌اند. معمولاً این افراد مربوط به نسل دوم و سوم هستند و نسل چهارم را نیز تحت تأثیر خرد قرار داده‌اند. بدون در نظر گرفتن خلییات ایرانیان در دوران باستان این میانه و ایران معاصر نمی‌توان به بررسی خلق و خوی کنونی مردم ایران پرداخت. به همین جهت گرچه در این موضوع سخن بسیار گفته شده است ولیکن به قول فردوسی:

سخن هرچه گویم همه گفته‌اند

بر و بوم دانش همه گشته‌اند

سخن گفته شد گفتنی هم نماند

یکی از تو خواهم یکی بر تو راند

در ایران باستان به چیز مورد مذمت ایرانیان قرار داشت و پادشاهان، بزرگان، مذهب، شاعران و نویسندگان و حتی مردم طبقات دیگر جامعه یکدیگر را از دروغ گفتن، قرض دادن و گرفتن و نیز رشوه دادن منع می‌کردند. هرودوت مورخ یونانی در مورد خلیقات ایرانیان جهت دروغ نگفتن و رخص نگرفتن چنین مطالبی را بیان می‌کند:

در بیست و چند قرن پیش ازین یونانیان دشمن ایران ما ایرانیان بودند و با وجود این مورخ بزرگ و آگاه آن‌ها هرودوت در کتاب او را ابوالمورخین خوانده‌اند بیست و چهار قرن پیش در حق ایرانیان چنین گفته است:

«ایرانی مجاز نیست از چیزی که عملش قبیح و غیرمجاز باشد سخن براند و در نظر آن‌ها هیچ چیز شرم‌انگیزتر از دروغ گفتن

نیست. از دروغ گذشته قرض کردن هم در نزد آن‌ها به‌غایت زشت و مکروه است و برای این زشتی علتی که بیان می‌کنند این است که می‌گویند آدم مقروض گاهی مجبور می‌شود دروغ بگوید.»

در ایران باستان و ایران میانه و حتی ایران معاصر درباره تعارفاتی که بین ایرانیان مرسوم بوده است فرنگیان بر ما ایراد کرده‌اند. در حالی که این تعارفات قسمتی از فرهنگ و هویت ملی ایرانیان بوده است در این مورد مطلب زیر قابل توجه می‌باشد و تفاوت آداب و معاشرت و برخوردهای فردی را در ایران و فرنگ مورد نقد و بررسی قرار داده‌اند.

پس معلوم می‌شود که هر قوه و ملت و هر گروهی از مردم به جهت علل و اسباب متعدد و مختلف دارای اخلاق و اطواری می‌شود که چه‌بسا در نزد خودش پسندیده و مقبول است. در صورتیکه مردم دیگری آن را نمی‌پسندند و نکوینده و مکروه می‌شمارند. مثلاً آیا تقصیری بر ما ایرانیان است اگر فرنگی‌ها معمولی‌ترین تعارف‌های ما را از قبیل «جانم» و «عزیزم» و «قربانت شوم» و «تصدقت کردم» و «فدایت شوم» که مانند «شر آ می» فرانسوی‌ها و «ما ین لیبر» آلمانی‌ها در حقیقت تعارف محض است

و معنی و مفهومی ندارد به معنای تحت‌اللفظی آن ترجمه می‌کنند و مایه تعجب و استهزاء قرار می‌دهند. ایرانی به جای لفظ شما به رسم ادب و احترام «سرکار» و «سرکار عالی» و «جناب عالی» و «جناب مستطاب عالی» و «قربان» می‌گویند به جای «من» از طریق تحقیر نفس خود و تعظیم طرف «بنده» و «فدوی» و «داعی» و «ذره بی‌مقدار» و «خار» و غیره استعمال می‌کند و به جای «برو»، «بفرمایید» می‌گویند و به جای «بیا»، «تشریف بیاورید» می‌نویسد. آیا این عادات و رسوم را که سرتاسر لطافت و ادب است باید مورد طعن و طنز و مسخره قرار داد. رنگی‌ها خودشان هم در سوابق ایام به همین طرز و اسلوب چیز می‌نوشید و سخن می‌راندند و رفته رفته با توالی شهر و سنوات کار را بر خود سهل گرفتند و نوشتن و گفتن را ساده‌تر ساختند و لابد حوادث دوران و جهان زمان ما را نیز روزی در همین راه و جاده خواهد انداخت چنانکه امروز هم آثار و مقدمات آن آشکار و عیان است. اما ما نباید حریفان خارجی دیگران را بخوریم و تصور نماییم که وقتی به جای «قبول دارم» می‌گوییم «بچشم» و یا به جای «مرسی» فرنگی می‌گوییم «دست شما را می‌بوسم» مرتکب معصیت کبیره شده‌ایم.